

# دردهای شکار

## بررسی و تحلیل نمادهای درد و رنج در شعر حسن حسینی

محمد منفرد،

دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران

### چکیده

یکی از شاعران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که بیشترین دغدغه او صیانت از ارزش‌های دینی و اسلامی است، حسن حسینی بود. او در آثار خویش حوادث و اتفاقات دینی و مذهبی در طول تاریخ را متذکر شده و با رنگ بیشتر حادثه کربلا و ماجراهایی که بر یاران و فرزندان پیغمبر گذشت را در شعر ترسیم کرده است. مقوله **درد و رنج** بشری را با نگاه ویژه خود در مقایسه با حوادث کربلا به تصویر کشیده و در آثارش مانند «گنجشک و جبرئیل» اتفاقات کربلا و در «همصدا با حلق اسماعیل» حدیث عاشوراییان و جانبازی‌ها را با تصاویر زنده و گویا بیان کرده و با کلمات و عبارات دردناک خوانندگان را با **درد و رنج** کربلاییان و شهیدان همراه کرده است. نگارنده در این مقاله می‌کوشد با توجه به مضامین شعر حسن حسینی، معرفت‌شناسی او و مفاهیم و عوامل ایجاد کننده درد و رنج و راه‌های التیام و آن را بررسی و تحلیل کند.

**کلیدواژه‌ها:** حسن حسینی، کربلا و شهیدان، شعر معاصر، درد و رنج، شهادت<sup>۱</sup>

### پیش‌درآمد

نمی‌بینم نشاط عیش در کس  
نه درمان دلی نه درد دینی

(حافظ، ۱۳۵۲: ۳۵)

بعضی از واژه‌ها مقدس‌اند و تقدیس آن‌ها با باورها و اعتقادات افراد ارتباط مستقیم دارد. واژه‌هایی با جنبه ظاهراً

منفی مانند درد و رنج، گریه، مرگ و... در اعتقاد مسلمانان مقدس و شیرین هستند و همیشه با وجود انسان همراه و همگام بوده‌اند.

در قرآن، واژه درد و سختی همراه و همزاد انسان تعبیر شده است<sup>۲</sup> و در روایات ما انسان دردمند - چه جسمی و چه روحی - در بند خداوند است. به همین دلیل، درد در کیش مسلمانان مقدس و درد دین والاترین دغدغه‌های مسلمانان و مؤمنین است. این درد دین در حادثه‌های غمبار و حزن‌انگیز تاریخ اسلام بیشتر نمایان است. همدردی با اولیاءالله، پیامبران و معصومین و کاستن از غم‌های آنان و دفاع از ارزش‌های دینی و اعتقادی به‌عنوان درد دین بیان شده است. در کتاب «گنجشک و جبرئیل» سروده مرحوم حسینی دغدغه‌های عاشورایی وجود دارد. ما در این مقال به رنج‌هایی که بر امام حسین (ع) و یارانش رفته است از زبان وی می‌پردازیم و آنچه مایه درد بشر شده و حتی خود شاعر را رنج می‌دهد و راه‌های کاهش این آلام را در لابه‌لای اشعار او می‌جوئیم.

حسینی سوخته‌ای است که از خامی بیرون آمده است؛ دین دارد و راز این گنج را یافته است و به قول عطار:

سر گنج او به خامی کس نیافت  
سوز عشق و درد دین می‌بایدش<sup>۳</sup>

(عطار؛ ۱۳۸۵: ۴۸)

او در این مجموعه هم به دردهای بشری توجه کرده و هم به درد دین - که با شهادت اباعبدالله و یارانش به وجود می‌آید - نظری

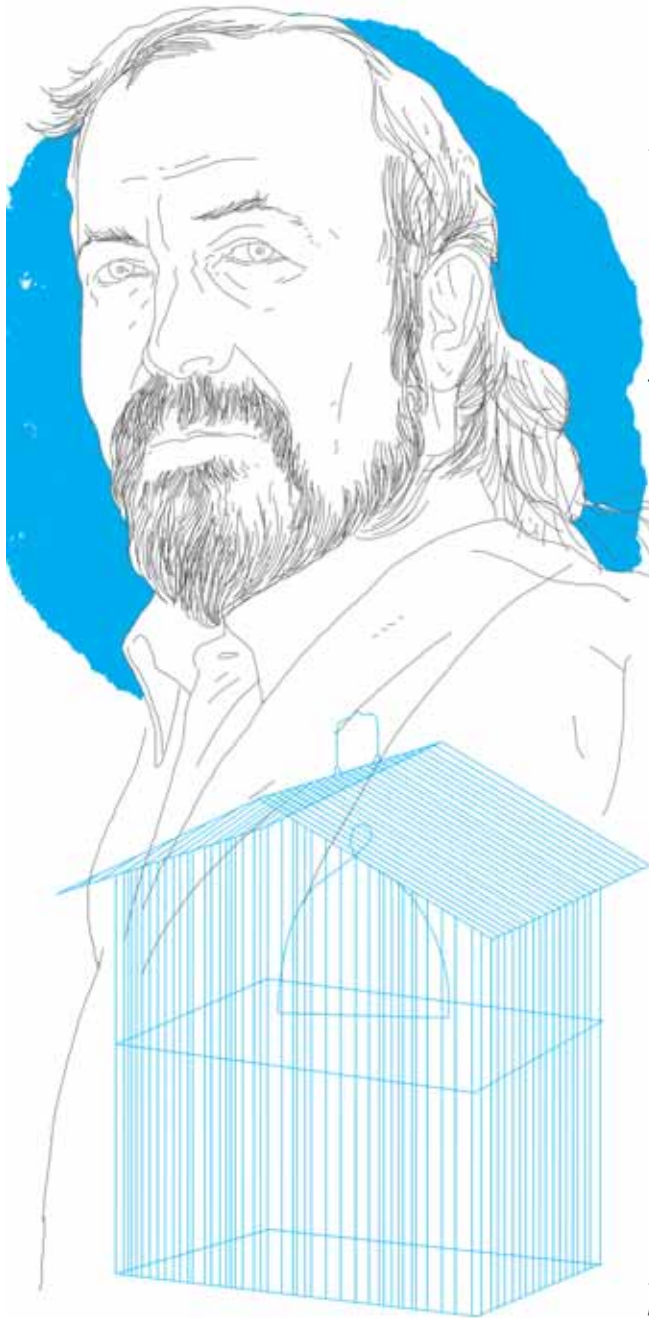
داشته است تا بدین وسیله ماندگاری خود را در ذهن مخاطبان ابدی کند. «یکی از دلایل ماندگاری و بقای یک اثر هنری... توجه عمیق و دقیق تری به مسئله انسانی است. در ادبیات و شعر معاصر هم به‌صورت ویژه مقتضیات انسان جدید منعکس شده و شاعرانی چون سپهری؛ اخوان، شاملو و فروغ از یک سو و شفیعی کدکنی، قیصر امین‌پور، حسن حسینی و سلمان هراتی... از سویی دیگر در این زمره‌اند که بررسی این مفهوم نیازمند تحقیق مفصل است.»<sup>۴</sup> (گرچی؛ ۱۳۸۸: ۱۲).

لازم به ذکر است که شاعر متعهد و دینی ما واژه‌های درد یا رنج را درباره حادثه کربلا به کار نبرده است و شاید **درد و رنج** به معنی رایج آن در فرهنگ لغت‌ها نباشد. در ذهن شاعر، شهادت و مبارزه در راه خدا با درد و آلام بشر مقایسه نمی‌شود. اگر از **درد و رنج** صحبت می‌شود به دلیل تأثیری است که بر جان‌های مخاطبان می‌گذارد و در عین حال از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.

### معناشناسی درد و رنج

#### نکته اول:

معنا و مفهوم درد در شعر حسینی یک مفهوم انتزاعی و خارج از آلام دنیایی است؛ به‌خصوص در این اثر (گنجشک و جبرئیل) بسامد **درد و رنج** اندک است اما مفاهیم و واژه‌های دردآلود چه در انتخاب عناوین و چه محتوا فراوان است. ترکیباتی که از آن‌ها در این اشعار استفاده شده است، جنبه استعاری و حس‌آمیزی و تشخیص



خاک و کوه بسیار زیاد است. با توجه به نهفته بودن رنج و مصائب در دل این کلمات و تصورات ویژه او از این حوادث، مهم‌ترین عامل اتفاقات را بی‌دینی و بی‌تقوایی و ریاکاری می‌داند و بر آن است تا لایه‌های پنهان و آشکار این حادثه که روح و جانش را به درد آورده است، باز کند. در اشعار حسینی معنای ظریفی از درد به نظر می‌رسد که می‌توان از آن به حزن<sup>۲</sup> تعبیر کرد؛ همان حزنی که در قلب مؤمن است و با حزنی که به خاطر شهادت ابا عبدالله همچون آتش تا قیامت در قلوب مؤمنین شعله‌ور است. یک واژه قرآنی به همین نام و مربوط به داستان حضرت یوسف است که شاعر در سرایش دردنامه خود به آن توجه کرده است.

او اعتراف می‌کند که همه فریادهای انسان امروز از حنجره کربلا بیان به صدا در آمده

### شاعر مفهوم درد و رنج را به معنای مفاهیم رایج و لغت‌نامه‌ای به کار نبرده بلکه از آن در معنی عرفانی و با رنگ دینی و مذهبی بیشتر استفاده کرده است

است. پس، او نیز فریاد حزن‌آلود خود را همراه با انسان‌ها از سینه بیرون می‌ریزد و می‌گوید:

و لبانم سربلند/ اعتراف می‌کنند/ اگر گلوی تو نبود/ عقل این حنجره/ هرگز/ به فریادهای بلند/ قد نمی‌داد (حسینی؛ ۲۱:۱۳۸۶)

مواردی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم روح و جان شاعر متعهد ما را به درد آورده است عبارت‌اند از:

شهادت امام حسین (ع)، شهادت حضرت عباس (ع)، شهادت علی‌اصغر (ع) و اسارت زینب (س) که در بخش‌های بعدی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

### ادامه مطلب در وبگاه مجله

دارند و این برای تأکید و تأثیرگذاری است. علاوه بر این، جنبه حماسی‌اش نیز حفظ شده است.

به این ترکیبات توجه کنید:

**گردباد ضجه:** گیسوی راهوار بلندش/ در گردباد ضجه پریشان شد. (حسینی؛ ۲۸:۱۳۸۶)

**کوه فاجعه:** کوه صبور فاجعه/ وقتی / در آستان خیمه نمایان شد. (همان: ۲۸)

**لحن سوگوار:** از لحن سوگوارش/ خون مبین حنجره‌ای تازه می‌کند. (همان: ۳۵)

**سیل زخم‌دار اسارت:** به آینده/ اشارتی روشن بود/ آن سیل زخم‌دار اسارت. (همان: ۴۳)

**گنج رنج‌دیده:** آن گنج رنج دیده تاریخ/ - دیباج - را. (همان: ۴۸)

**کوران درد:** این عاشق غریب/ در کوران درد و خسوف/ معماری گلوی تو شرقی بود. (همان: ۴۸)

### نکته دوم:

در اشعار حسینی مقصود از **درد و رنج** با استفاده از این اصطلاحات بیشتر در معنای درد کردن سخن و یا تأثیرگذاری است. با توجه به بی‌تبی از عطار که می‌گوید:

آخر چه دلی بود که آن خون نشود درش نکند این سخن پردردم<sup>۵</sup>

(عطار؛ ۴۸:۱۳۷۵)

حسینی به دنبال آن است که هم سخنش پردرد باشد و هم تأثیرگذار، و در کنار این رسالت خطیر، مسئولیت درد ستانی<sup>۶</sup>

و غم‌زدایی از دردستان بشر را نیز دارد. بنابراین، سخن او بوی درد می‌گیرد و به تبع آن، مخاطب خود را در حوادث غم‌بار کربلا شریک می‌کند. همان‌طور که گفته شد، شاعر مفهوم **درد و رنج** را به معنای مفاهیم رایج و لغت‌نامه‌ای به کار نبرده بلکه از آن در معنی عرفانی و با رنگ دینی و مذهبی بیشتر استفاده کرده است.

### معرفت‌شناسی درد و رنج

در شعر حسینی با توجه به فضای ذهنی وی و همچنین تعهد او در قبال مسائل دینی و ارزشی، بسامد کلماتی مانند شهادت، جهاد، مبارزه، شمشیر، نیزه، خون،

#### پی‌نوشت‌ها

۱. اشعار از کتاب (گنجشک و جبریل) انتخاب شده است.

۲. حافظ «درد دین» را به معنای غم دین خوردن و شدت

علاقه به دین به کار می‌برد.

۳. خلق‌الانسان فی کبد، س ۱۰۵، آیه ۸.

۴. عطار نیز از ترکیب «درد دین»، به معنی دینداری و شدت

علاقه به دین استفاده می‌کند.

۵. گرجی؛ مصطفی، کتاب ماه ادبیات، شماره ۳۵ - اسفند ۸۸.

۶. عطار «سخن پردرد» را به معنی سخن تأثیرگذار به کار

می‌برد.

۷. نظامی می‌گوید:

در دستانی کن و درمان دهی

تات رسانند به فرماندهی (نظامی، ۱۳)

۸. واستعینوا بالصبر والصله، س ۲، آیه ۶۵.